

## استراتژی‌های کلان برای مدیریت

### هوش مصنوعی در سازمان‌ها



نشریه علمی | رتبه بین‌المللی  
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران  
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۸۲۳۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS، ISI، LISTA و

jipm.irandoc.ac.ir

دوره ۴۰ | شماره ۴ | صص ۱۰۲۳-۱۰۲۴  
تابستان ۱۴۰۴

توسعه تدریجی فناوری هوش مصنوعی در طول دو دهه گذشته و نفوذ شتابزده آن در ابعاد گوناگون زندگی بشر، یک رخداد شگرف و واقعیتی است که اکنون بر همگان آشکار شده است. نه تنها دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی بخشی از دغدغه‌های خود را به مسائل مرتبط با هوش مصنوعی اختصاص داده‌اند بلکه این امر در سطح خرد و در چارچوب برنامه‌های مؤسسات کوچک و حتی افراد (اعم از دانشگاهی یا شغل آزاد) هم مورد توجه جدی قرار گرفته است.

آلکس بیکرافت، مدیرعامل مؤسسه دیکشنری کالینز سه سال پیش اعلام کرد که «هوش مصنوعی» به عنوان کلمه سال ۲۰۲۳ انتخاب شده است. اکنون واژه هوش مصنوعی یکی از پربسامدترین واژه‌ها در نوشته‌ها و گفتگوهای دنیای فناوری و تجارت و همچنین محیط‌های آموزشی و دانشگاهی شده است. بسیاری از سازمان‌ها در همین چند سال گذشته اقدام به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های خود در زمینه چگونگی برخورد و بهره‌بری از هوش مصنوعی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که تحولات در حوزه هوش مصنوعی شکل تصاعدی داشته باشد و ما شاهد تحقق هوش مصنوعی عمومی<sup>۱</sup> و ابرهوش مصنوعی<sup>۲</sup> خواهیم بود و به زودی از آن‌ها هم گذر خواهیم کرد.

همه این روندها حاکی از تحول گسترده و تأثیرگذار این مقوله بر جهان معاصر است. در این شرایط، بسیاری از دولت‌ها و دانشگاه‌ها بیانیه‌ها و یا برنامه‌هایی را برای مدیریت هوش مصنوعی و کاربرد درست و هدفمند آن تدوین می‌کنند. در عین حال، آنچه بیش از همه اهمیت دارد و نباید از آن غافل شد، تدوین استراتژی‌های کلان برای مدیریت این مقوله حیاتی است. هر دولت یا نهادی نیاز دارد تا با توجه به تحولات پیش رو و رقابت‌های بین‌المللی دست به تدوین چنین استراتژی‌هایی بزند تا به بهترین و منطقی‌ترین شیوه با این مقوله برخورد کند و از حرکت عظیم و فراگیر جاری عقب نماند. دولت‌ها نیز مانند مؤسسات باید برنامه‌هایی عملیاتی را در

1. Artificial General Intelligence      2. Artificial Superintelligence

- زیرمجموعه‌های خود پیاده‌سازی کنند تا بتوانند به هدف‌های مورد نظر در این حوزه دست یابند.
- در این راستا، استراتژی‌های هوش مصنوعی می‌تواند در بردارنده برنامه‌های زیر باشد:
- ◇ مشخص کردن شیوه‌های به کارگیری هوش مصنوعی در تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های استراتژیک سازمان و برنامه‌های زیرمجموعه آن؛
  - ◇ تدوین راهکارهایی برای به کارگیری هوش مصنوعی در زیرساخت‌ها با توجه به پیامدهای آن؛
  - ◇ مشخص کردن تأثیرات به کارگیری هوش مصنوعی در تغییرات مرتبط با فرایندها، ابزارها و سامانه‌های کاری در سازمان‌ها با هدف بهبود ساختارها، تشکیلات، فرایندها، بهبود روابط با جامعه، و ایجاد نوآوری در خدمات. این امر به‌ویژه در زمینه پیاده‌سازی مدیریت دانش و مدیریت فضای رقابتی اهمیت دارد؛
  - ◇ تدوین برنامه‌هایی برای به کارگیری هوش مصنوعی در حوزه نیروی انسانی با توجه به تأثیرات مثبت و منفی آن به‌ویژه بر جنبه‌های انسانی مانند مدیریت منابع انسانی، بهره‌وری، آموزش، ارزیابی، و حقوق فردی و صنفی؛
  - ◇ ایجاد سازوکاری برای بازنگری و ساماندهی به مسایل مالی سازمان با توجه به تأثیر هوش مصنوعی بر ساختار و تشکیلات، فرایندها، سامانه‌ها و مانند آن؛
  - ◇ مشخص کردن پیامدهای مثبت و منفی ناشی از به کار بردن هوش مصنوعی بر اخلاق عمومی، اخلاق حرفه‌ای و روابط اجتماعی به‌ویژه در فضای مجازی؛
  - ◇ تدوین برنامه‌هایی برای جلوگیری از سوء استفاده از هوش مصنوعی در عرصه‌های مورد توجه و تدوین قوانین اجرایی آن؛
  - ◇ تدوین برنامه‌هایی برای مدیریت امنیت مسائل مرتبط با به کارگیری هوش مصنوعی با توجه به احتمال حملات سایبری، نفوذ، خرابکاری و غیره.
- کوتاه سخن آنکه، عرصه هوش مصنوعی یک عرصه نو، رو به جلو، غیرقابل پیش‌بینی، همراه با پیامدهای آشکار و نهان است. تدوین استراتژی‌های کلان برای مدیریت هوش مصنوعی از مهم‌ترین بایسته‌های سازمان‌های نوین است. این استراتژی‌ها باید پیش از دست دادن فرصت‌ها و بروز آسیب‌های احتمالی تدوین، پیاده‌سازی و ارزیابی شود.

سید رحمت‌الله فتاحی

سردبیر